



«حلقات»

درس صد و بیستم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای راسخی

در درس پیشین به بحث الزام آوری در سیره های عقلانی پرداختیم. اکنون در صدد هستیم تا در این بحث در بخش اول به واکاوی مباحث صغروی و کبروی قیاس شرعی بپردازیم و با ذکر چند مثال به بخش دوم که بحث اثبات صدور دلیل شرعی است برسیم. بحث از اقسام قطع را به بخش سوم واگذار می کنیم و در پایان به ذکر مثال های اقسام قطع بسنده خواهیم کرد.

بعد ان تكلمنا عن الدلالات العامة للدليل الشرعى نريد ان نتكلم الآن ع ن وسائل إثبات صدور الدليل من الشارع، و هى على نحوين:

أحدهما : وسائل الإثبات الوجدانى.

و الآخر: وسائل الإثبات التعبدى، فالكلام يقع فى قسمين:

القسم الأول وسائل الإثبات الوجدانى

تمهيد:

المقصود بالإثبات الوجدانى اليقين، و لما كانت وسائل الإثبات الوجدانى للدليل الشرعى بالنسبة إلينا كلها وسائل تقوم على أساس حساب الاحتمال، كالتواتر و الإجماع و نحوهما على ما تقدم فى الحلقة السابقة، فمن المناسب ان نتحدث بإيجاز عن كيفية تكون اليقين على أساس حساب الاحتمال.

فنعول: إن اليقين، كما عرفنا فى مباحث القطع موضوعى و ذا تى، و نحن حينما نتكلم عن حجية القطع بعد افتراض تحققه لا نفرق بين القسمين، إذ نقول بحجيتهما معاً كما تقدم، و لكن حينما نتكلم عن الوسائل الموجبة للإثبات و الإحراز، فمن المعقول ان نهتم بالتمييز بين أدوات اليقين الموضوعى و غيرها ابتعاداً بقدر الإمكان عن التورط فى غير اليقين الموضوعى.

مباحث کبروی و صغروی قیاس شرعی

یاد آوری :

همان گونه که قبلاً متذکر شدیم مرحوم مصنف مباحث دلّالی را مباحث کبروی تلقی می کنند و مباحث صدور دلّیل شرعی را مباحث صغروی به حساب می آورند . پس، از بین سه بحثی که در ادله شرعی خواهیم داشت مبحث اول و سوم، دلّالی و کبروی است و مبحث دوم، صغروی است و صدور محسوب می شود.

تبیین مقدمات دلیل شرعی

فرض می گیریم که طبق اخبار متواتر، خطاب «صلّ» از طرف شارع صادر شده باشد . در این صورت می گوئیم :

صغری : قد صدر من الشارع أمر بالصلوة ➡ برای اثبات این صغری باید روش های صدور دلّیل شرعی از طرف شارع بررسی شود. لذا در مبحث دوم (روش های اثبات صدور دلّیل شرعی) جای می گیرد .

کبری : و الامر بالصلوة دلیل علی وجوب الصلوة ➡ این مقدمه، مشتمل بر مباحث دلّالی است که باید در مبحث اول و سوم بررسی شود.

تبیین صغری و کبری با قیاسی دیگر

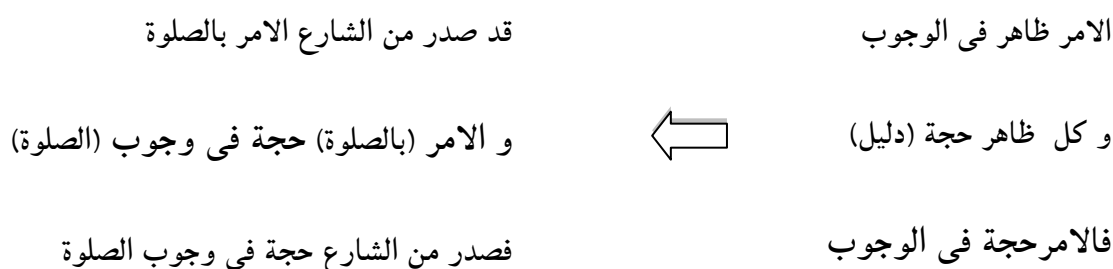
برای اینکه مطلب بیشتر واضح شود که چگونه مبحث اول و سوم با هم تشکیل دهنده کبر ای دلیل شرعی هستند قیاس منطقی دیگری را ترتیب می دهیم که نتیجه این قیاس منطقی کبری دلیل شرعی می شود.

مثال: «الأمر ظاهر فی الوجوب»

در بحث از تعیین دلالات عامّ دلیل شرعی ذکر کردیم که امر، از لحاظ ماده و صیغه، ظاهر در وجوب است. از آن مباحث، صغرای بی دست می آید که «الأمر ظاهر فی الوجوب»

در بحث سوّم خواهيم گفت كه «كلّ ظاهرٍ حجةٍ»؛ هر ظاهري حجّت است. به عبارت ديگر «كلّ ظاهرٍ دليل» كه دليل، همان حجّت محسوب مي شود.

پس ما در مبحث نخست از سه مبحثي كه داشتيم صغري را اثبات کرده و مي گوئيم «الأمر ظاهرٌ في الوجوب»؛ در مبحث سوّم براي اين صغري، كبري قرار مي دهيم: «و كلّ ظاهرٍ دليلٌ أوحجةٌ»؛ نتيجه، اين مي شود كه «الأمر حجة في الوجوب» كه از مجموع اين صغري و كبري، كبراي دليل شرعي اثبات مي شود كه: «الأمر بالصلوة حجة في وجوب الصلوة»



شيوه های اثبات صدور دليل شرعي

در مباحث اثبات صغري دليل شرعي در حقيقت در صدد اثبات صدور دليل از شارع مقدّس هستيم اثبات صدور دليل از شارع مقدّس به دو گونه است :

الف) اثبات وجداني ب) اثبات تعبدي

اثبات وجداني: قطع يا يقيني كه وسائل اثبات آن عبارتست از راههايي كه سبب حصول قطع به صدور دليل شرعي مي شود .

وسائل اثبات وجداني: راه هايي كه سبب حصول قطع به صدور دليل شرعي مي شود. مثلاً تواتر سبب حصول قطع به صدور يك خبر يا يك قول از معصوم و شارع مقدّس مي شود.

وسائل اثبات تعبدي: اثبات تعبدي يعني ظنّ معتبر، مقصود از وسائل اثبات تعبدي راههائي است كه سبب حصول ظنّ معتبر به صدور دليل از شارع مي شود و مراد از ظنّ معتبر ظنّي است كه باتعبد حجّت مي شود و ذاتاً فاقد حجّيت است ، يعني تعبداً و به دستور شارع واجد حجّيت شده است مثل خبر ثقه

نکته اول :

در بحث وسائل اثبات تعبدی مصنف بحث از هر ظن معتبری را در راستای بحث نمی داند بلکه فقط از ظن معتبری که در راستای صدور دلیل از شارع است به بحث خواهد پرداخت لذا بحث از ظن معتبر به حکم شرعی (نه صدور دلیل از شارع) در چارچوب بحث جای نمی گیرد

نکته دوم:

فردی که در زمان حضور معصوم (ع) زندگی می کند می تواند از طریق حواس خودش حدیث یا سخنی را مستقیماً از زبان معصوم (ع) بدست آورد. اما برای ما که در عصر غیبت کبری به سر می بریم، قطع به صدور از طریق حواس ممکن نیست؛ لذا یگانه راهی که مسلمانان عصر غیبت می توانند قطع به صدور دلیل شرعی از شارع پیدا کنند حساب احتمالات است. بحث در مورد «تواتر»، «اجماع» و «شهرت» با توجه به حساب احتمالات، در همین مقام مورد بررسی قرار می گیرد.

انواع یقین

یقین از حیث سبب حصول یا منشأ پیدایش به دو قسم تقسیم می شود:

الف) یقین موضوعی: عبارتست از یقینی که اسباب حصول آن عقلانی باشد و بریک پای عقلانی شکل گرفته باشد به گونه ای که اگر این سبب برای هر عاقل متعارفی حاصل شود باعث قطع او می گردد.

مثلاً اگر ده نفر از فوت زید به شما خبر دهند برای شما مفید قطع خواهد بود. اگر همین ده نفر با همین شرائط نزد دیگران هم شهادت به فوت زید دهند طبیعتاً آنها هم یقین به فوت زید پیدا می کنند.

ب) قطع ذاتی: قطع و یقینی که بر پایه عقلانی و سبب صحیحی استوار نباشد بلکه شخصی باشد؛ یعنی فقط بهای فرد خاصی ایجاد قطع کند که این به دلیل خصوصیات ذاتی مثل ساده لوحی، زود باوری و تمایلات نفسانی شخص می باشد.

نکته اول:

اگر قطع به صورت مطلق (چه موضوعی چه ذاتی) برای انسان حاصل شد بنابر آنچه که در بحث حجیت قطع گذشت قطع قاطع حجّت است و قابل ردع شرعی نیست یعنی شخص قاطع در عمل به قطعش معذور است و نمی توان او را از عمل به قطعش بازداشت.

از آنجا که قطع های ذاتی قطع های شایسته ای نیستند و غالباً محصول عوامل نفسانی مثل زود باوری، ساده لوحی، سهل انگاری و اموری از این قبیل هستند شایسته است که به بررسی روش هایی که ما را به قطع موضوعی می رسانند و از قطع ذاتی برحذر می دارند پردازیم تا مبتلا به قطع ذاتی و قطع بی پای و اساس نشویم.

۱. مصنف مباحث دلالی را مباحث کبروی و مباحث صدور می آورد.
۲. شیوه های اثبات صدور دلیل شرعی به دو قسم: اثبات وجدانی و اثبات تعبدی تقسیم می شوند.
۳. اثبات وجدانی همان قطع و یقین می باشد و وسائل اثبات آن به راه هایی گفته می شود که سبب حصول قطع به صدور دلیل شرعی می شود مثل تواتر.
۴. اثبات تعبدی همان ظن معتبری است که اعتبارش را از شارع دریافت نموده است و وسائل آن به راه هایی گفته می شود که سبب حصول ظن معتبر به صدور دلیل از شارع می شود مثل خبرثقه.
۵. در بحث اثبات تعبدی فقط ظن معتبری که در راستای صدور دلیل از شارع است مورد بحث خواهد بود پس ظن معتبر به حکم شرعی در این بحث جایی ندارد.
۶. تنها راه قطع به صدور دلیل شرعی برای کسی که در زمان غیبت کبری زندگی می کند حساب احتمالات است و بحث تواتر، اجماع و شهرت همه در این چارچوب جای می گیرند.
۷. قطع به دو نوع تقسیم می شود: الف) قطع موضوعی ب) قطع ذاتی.
۸. قطع موضوعی: قطعی است که اسباب حصول آن عقلانی است به گونه ای که برای هر عاقل متعارفی حاصل شود باعث قطع او گردد.
۹. قطع ذاتی: قطعی است که بر پایه ی عقلانی استوار نبوده و شخصی باشد.
۱۰. قطع قاطع به صورت مطلق (چه موضوعی، چه ذاتی) حجت بوده و قابل ردع شرعی نیست.
۱۱. از آنجا که قطع های ذاتی، قطع های شایسته ای نیستند سزاوار است که انسان پیش از حصول قطع ابزار قطع موضوعی را بشناسد تا مبتلا به قطع بی پایه و اساس نشود.